

تعلیم دعا

¹ و هنگامی که او در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوند، دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنانکه یحیی شاگردان خود را بیاموخت.² بدیشان گفت: هرگاه دعا کنید، گوید: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، در زمین نیز کرده شود.³ نان کفاف ما را روز به روز به ما بده.⁴ و گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز هرقرضدار خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش مبادر، بلکه ما را از شریر رهایی ده.

مَثَل یک دوست که می پرسد

⁵ و بدیشان گفت: کیست از شما که دوستی داشته باشد و نصف شب نزد وی آمده، بگوید: ای دوست، سه قُرض نان به من قُرض ده،⁶ چونکه یکی از دوستان من از سفر بر من وارد شده و چیزی ندارم که پیش او گذارم.⁷ پس او از اندرون در جواب گوید: مرا زحمت مده، زیرا که الآن در بسته است و بچه‌های من در رختخواب با من خفته‌اند، نمی‌توانم برخاست تا به تو دهم.⁸ به شما می‌گویم: هر چند به علّت دوستی برنخیزد تا بدو دهد، لیکن بجهت لجاجت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد، بدو خواهد داد.⁹ و من به شما می‌گویم: سؤال کنید که به شما داده خواهد شد. بطلبید که خواهید یافت. بگوید که برای شما باز کرده خواهد شد.¹⁰ زیرا هر که سؤال کند، یابد و هر که بطلبید، خواهد یافت و هر که بگوید، برای او باز کرده خواهد شد.¹¹ و کیست از شما که پدر باشد و پسرش از او نان خواهد، سنگی بدو دهد؟ یا اگر ماهی خواهد، به عوض ماهی ماری بدو بخشد؟¹² یا اگر تخم مرغی بخواهد، عقربی بدو عطا کند؟¹³ پس اگر شما با آنکه شریر هستید، می‌دانید چیزهای نیکو را به اولاد خود باید داد، چند مرتبه زیاده‌تر پدر آسمانی شما روح‌القدس را خواهد داد به هر که از او سؤال کند.

سلطان عیسی در بعزبول

¹⁴ و دیوی را که گنگ بود بیرون می‌کرد و چون دیو بیرون شد، گنگ گویا گردید و مردم تعجب

نمودند.¹⁵ لیکن بعضی از ایشان گفتند: که دیوها را به یاری بعزبول، رئیس دیوها، بیرون می‌کند.¹⁶ و دیگران از روی امتحان آیتی آسمانی از او طلب نمودند.¹⁷ پس او خیالات ایشان را درک کرده، بدیشان گفت: هر مملکتی که برخلاف خود منقسم شود، تباه گردد و خانه‌ای که بر خانه منقسم شود، منهدم گردد.¹⁸ پس شیطان نیز اگر به ضدّ خود منقسم شود، سلطنت او چگونه پایدار بماند. زیرا می‌گوید: که من به اعانت بعزبول دیوها را بیرون می‌کنم.¹⁹ پس اگر من دیوها را به وساطت بعزبول بیرون می‌کنم، پسران شما به وساطت که آنها را بیرون می‌کنند؟ از اینجهت ایشان داوران بر شما خواهند بود.²⁰ لیکن هرگاه به انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم، هرآینه ملکوت خدا ناگهان بر شما آمده است.²¹ وقتی که مرد زورآور سلاح پوشیده، خانه خود را نگاه دارد، اموال او محفوظ می‌باشد.²² اما چون شخصی زورآورتر از او آید، بر او غلبه یافته، همه اسلحه او را که بدان اعتماد می‌داشت، از او می‌گیرد و اموال او را تقسیم می‌کند.²³ کسی که با من نیست، برخلاف من است و آنکه با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد.²⁴ چون روح پلید از انسان بیرون آید، به مکانهای بی‌آب بطلب آرامی گردش می‌کند و چون نیافت، می‌گوید به خانه خود که از آن بیرون آمدم برمی‌گردم.²⁵ پس چون آید، آن را جاروب کرده شده و آراسته می‌بیند.²⁶ آنگاه می‌رود و هفت روح دیگر، شریرتر از خود برداشته داخلشده در آنجا ساکن می‌گردد و اواخر آن شخص از او ائیش بدتر می‌شود.

²⁷ چون او این سخنان را می‌گفت، زنی از آن میان به آواز بلند وی را گفت: خوشابحال آن رَجَمی که تو را حمل کرد و پستانهایی که مکیدی.²⁸ لیکن او گفت: بلکه خوشابحال آنانی که کلام خدا را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند.

آیت یونس نبی

²⁹ و هنگامی که مردم بر او ازدحام می‌نمودند، سخن گفتن: آغاز کرد که اینان فرقه‌های شریرند که آیتی طلب می‌کنند و آیتی بدیشان عطا نخواهد شد، جز آیت یونس نبی.³⁰ زیرا چنانکه یونس برای اهل نینوا آیت شد، همچنین پسر انسان نیز برای این فرقه خواهد

بود.³¹ ملکه جنوب در روز داوری با مردم این فرقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود و اینک، در اینجا کسی بزرگتر از سلیمان است.³² مردم نینوا در روز داوری با این طبقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهند کرد زیرا که به موعظه یونس توبه کردند و اینک، در اینجا کسی بزرگتر از یونس است.

چشم چراغ بدن است

³³ و هیچ کس چراغی نمیافروزد تا آن را در پنهانی یا زیر پیمانه‌ای بگذارد، بلکه بر چراغدان، تا هر که داخل شود روشنی را ببیند.³⁴ چراغ بدن چشم است، پس مادامی که چشم تو بسیط است، تمامی جسدت نیز روشن است و لیکن اگر فاسد باشد، جسد تو نیز تاریک بُود.³⁵ پس باحذر باش مبدا نوری که در تو است، ظلمت باشد. بنابراین، هرگاه تمامی جسم تو روشن باشد و دُرّهای ظلمت نداشته باشد، همهاش روشن خواهد بود، مثل وقتی که چراغ به تابش خود، تو را روشنایی می‌دهد.

نکوهش فریسیان و معلّمان شریعت

³⁷ و هنگامی که سخن می‌گفت، یکی از فریسیان از او وعده خواست که در خانه او چاشت بخورد. پس داخل شده بنشست.³⁸ اما فریسی چون دید که پیش از چاشت دست نَشُست، تعجّب نمود.³⁹ خداوند وی را گفت: همانا شما، ای فریسیان، بیرون پیاله و بشقاب را طاهر می‌سازید ولی درون شما پُر از حرص و خبث است.⁴⁰ ای احمقان، آیا او که بیرون را آفرید، اندرون را نیز نیافرید؟⁴¹ بلکه از آنچه دارید، صدقه دهید که اینک، همه چیز برای شما طاهر خواهد گشت.⁴² وای

بر شما، ای فریسیان، که ده یک از نعنای و سُداب و هر قسم سبزی را می‌دهید و از دادرسی و محبّت خدا تجاوز می‌نمایید؛ اینها را می‌باید بجا آورید و آنها را نیز ترک نکنید.⁴³ وای بر شما، ای فریسیان، که صدر کنایس و سلام در بازارها را دوست می‌دارید.⁴⁴ وای بر شما، ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا که مانند قبرهای پنهان شده هستید که مردم بر آنها راه می‌روند و نمی‌دانند.

⁴⁵ آنگاه یکی از فقها جواب داده، گفت: ای معلّم، بدین سخنان ما را نیز سرزنش می‌کنی؟⁴⁶ گفت: وای بر شما نیز، ای فقها، زیرا که بارهای گران را بر مردم می‌نهد و خود بر آن بارها، یک انگشت خود را نمی‌گذارد.⁴⁷ وای بر شما، زیرا که مقابر انبیا را بنا می‌کنید و پدران شما ایشان را کشتند.⁴⁸ پس به کارهای پدران خود شهادت می‌دهید و از آنها راضی هستید، زیرا آنها ایشان را کشتند و شما قبرهای ایشان را می‌سازید.⁴⁹ از این رو حکمت خدا نیز فرموده است که به سوی ایشان انبیا و رسولان می‌فرستم و بعضی از ایشان را خواهند کشت و بر بعضی جفا خواهند کرد،⁵⁰ تا انتقام خون جمیع انبیا که از بنای عالم ریخته شد از این طبقه گرفته شود.⁵¹ از خون هابیل تا خون زکریّا که در میان مذبح و معبد کشته شد. بلی به شما می‌گویم که از این فرقه بازخواست خواهد شد.⁵² وای بر شما، ای فقها، زیرا کلید معرفت را برداشته‌اید که خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را هم مانع می‌شوید.

⁵³ و چون او این سخنان را بدیشان می‌گفت، کاتبان و فریسیان با او به شدّت درآویختند و در مطالب بسیار سؤالها از او می‌کردند.⁵⁴ و در کمین او می‌بودند تا نکته‌ای از زبان او گرفته، مدّعی او بشوند.